

تفسیر ده دقیقه‌ای قرآن کریم؛ بر ساحل نور

استاد سید جواد بهشتی

موضوع: داستان خلقت انسان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

می‌خواهم شما را به یک مهمانی ببرم.

خدایی که ما را آفریده بیشتر حرف‌های خود را در قالب قصه‌ها زده است. تقریباً ۳ هزار آیه از ۶ هزار آیه به شکل قصه است. قصه برای همه سنین، همه اصناف و همه اقشار جاذبه دارد؛ از کودکانی که در خانه هستند تا پروفیسوری که در دانشگاه است قصه را دوست دارند. اولین قصه، داستان خلقت ما است که بخشی از کتاب‌های آسمانی تورات، انجیل و قرآن به این قصه پرداخته‌اند. قصه آمدن ما به این کره‌ی خاک چه بود؟

صفحه ۶

سوره مبارکه بقره

آیات ۳۰-۳۷

آیه ۳۰: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»

«وَإِذْ قَالَ»، ما آیات زیادی خواهیم خواند که اول آن‌ها این گونه شروع می‌شود: «وَإِذْ» یعنی یاد کنید آن زمان را، درست است در گذشته بوده اما امروز به درد شما می‌خورد؛ و یاد کنید آن زمان را که «قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ» پروردگارت گفت به فرشتگان، «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» من می‌خواهم در زمین نماینده‌ای نصب کنم که مظهر قدرت، علم، حکمت و اراده من باشد، «قَالُوا» فرشتگان گفتند، «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ» می‌خواهی کسی را قرار دهی که در زمین فساد کند و خون بریزد؟!

این‌جا سوال پیش می‌آید که فرشتگان از کجا می‌دانستند؟ یک جواب این است که چون خدا اراده کرده در زمین... زمین یعنی فضایی مادی، متفاوت با فضای تجردی که فرشتگان داشتن. آن‌ها می‌دانستند در فضای ماده تزاخم، طمع، خشم و هوس وجود دارد. بعضی‌ها هم گفته‌اند چه بسا در دوره‌های قبل از خلقت آدم، آدم‌های دیگری نیز بوده‌اند، آن‌گونه که امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید، بالاخره فرشته‌ها از روی کنجکاو برای این که مسئله را بفهمند یک چنین پرسشی کردند.

«وَإِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» خداوند فرمود من چیزی می‌دانم که شما فرشتگان نمی‌دانید! احادیث زیادی در تفسیر این آیه به ما می‌فرماید: در آینده‌ها که بشر به این کره‌ی خاکی پا گذاشت مناظری پیش آمد که خداوند فرشتگان را صدا زد و فرمود: «این آن چیزی بود که من می‌دانستم و شما نمی‌دانستید؛ یکی از آن مناظر واقعه کربلا است. پروردگار در روز عاشورا فرشته‌ها را صدا زد و فرمود: «تماشا کنید، هفتاد

و چند نفر مقابل ۳۰ هزار نفر، تمام وجود این افراد من هستم، توحید، یکتاپرستی، این آن چیزی بود که در آغاز خلقت شما نمی دانستید، این چه موجود عزیزی است که من آفریده‌ام!»

آیه ۳۱: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»

«وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» و خداوند آموزش داد تمام اسم‌ها را به آدم. اسم به معنایی که ما می‌گوییم نیست، اسم را این گونه معنا کرده‌اند: اسرار، این موجودات عالم، آسمان و زمین، ماه و خورشید؛ و این که برای چه فلسفه‌ای و به چه منظوری آفریده است...؛ این اسم‌ها را به آدم یاد داد، تعلیم داد.

«ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ» بعد خداوند همان مسائل را به فرشتگان عرضه کرد که شما این را می‌فهمید؟

«فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» فرشته‌ها! اگر راست می‌گویید اسرار خلقت موجودات را بیان کنید و خبر بدهید.

فرشته‌ها گفتند:

آیه ۳۲: «قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»

«قَالُوا سُبْحَانَكَ» پروردگارا تو منزّه هستی، «لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا» به جز مطالبی، معارفی که پروردگارا تو به ما یاد داده‌ای چیز بیشتری ما نمی‌دانیم، نه، ما اسرار عالم و اسرار موجودات را که همان اسامی آن‌ها می‌شود را نمی‌دانیم. «إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» حقیقت این است که تو دانای حکیم هستی.

خداوند فرمود:

آیه ۳۳: «قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنْني أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ»

«قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ» ای آدم خبر ده به فرشتگان اسرار موجودات را، اسامی موجودات را، «فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ» وقتی آدم توضیح داد که این موجودات در پس پرده برای چه آفریده شده‌اند، اسرار آن‌ها را بیان کرد. «قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنْني أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» من نگفتم به شما که من می‌دانم نهان آسمان‌ها و زمین را، «وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ» آنچه را شما آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌کنید من می‌دانم.

پس عزت انسان از معلمی شروع شد. شرافت انسان از «علم» شروع شد. چرا خداوند به فرشته‌ها فرمان داد که به آدم سجده کنند؟ به خاطر دانایی، به خاطر آگاهی، به خاطر علم؛ این را فراموش نکنیم و از یاد گرفتن چیزی خسته نشویم. اگر ما پیش خدا آبرو داریم به خاطر این دانایی است. اگر فرشته‌ها باید در خدمت ما باشند به خاطر این آگاهی است.

آیه ۳۴: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»

«وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ» و یاد کنید آنگاه که ما گفتیم به فرشتگان سجده کنید به آدم، «فَسَجَدُوا» - «ف» یعنی بلافاصله- بلافاصله فرشتگان سجده کردند، «إِلَّا إِبْلِيسَ» مگر ابلیس؛ ابلیس کیست؟ بر اساس آیات قرآن یک نفر از جن است ولی از کثرت عبادت پروردگار اجازه پیدا کرد در جمع فرشتگان بیاید.

حالا خداوند به آن جمع که ابلیس هم در آن بود فرمان داده که به آدم سجده کنید، همه سجده کردند «إِلَّا إِبْلِيسَ» إلا ابلیس، «أَبَى» ابا کرد و دریغ داشت، «وَاسْتَكْبَرَ» تکبر ورزید، «وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» او از انکار کنندگان و از کافران شد.

خوب قصه فرشتگان و آدم و حوا و ابلیس در چند جای قرآن آمده است، شاید مشروحترین آن در سوره اعراف است. اگر زنده باشیم در سوره اعراف از آیه ۱۳ به بعد این قصه را مشروح تر بیان خواهیم کرد.

آیه ۳۵: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ»

«وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ» مفسران قرآن کسانی مثل آیت الله العظمی مکارم شیرازی می فرماید: قبل از اینکه دوره تکلیف انسان شروع بشود، خداوند یک دوره کار ورزی در یک باغی با دو نفر - آدم و حوا- برگزار کرد، بعد هم شیطان را سراغ آن دو فرستاد تا تمرین کنند؛ هنوز دوره تکلیف شروع نشده است، این آیات مربوط به آن دوره است. "و ما گفتیم به آدم سکنا پیدا کن خودت و همسرت در باغ". «وَكَلا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا» هر چه می خواهید گوارای وجودتان، میل کنید از میوه ها، از خوردنی ها، «وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» هر جا در این باغ می خواهید استفاده کنید آزاد هستید اما به این درخت -خداوند صلاح ندانسته اسم این درخت را بیاورد- نزدیک نشوید که از ظالمان خواهید بود.

آیه ۳۶: «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ»

«فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا» اما شیطان لغزاند آن ها را از آن باغ، «فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ» در آن مقامی که بودند بیرون کرد آن ها را از آن موقعیت، «وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ» و ما گفتیم ای آدمیان، ای آدم و حوا فرود بیایید که دشمنی بین شما خواهد بود، «وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ» پایگاه و قرارگاه شما در کره زمین خواهد بود، «وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ» بهره برداری شما هم تا روزگاری است که خدا می داند، «إِلَىٰ حِينٍ» یعنی تا زمان، آن زمان کی هست جز خدا کسی نمی داند.

خوب حالا آدم و حوا غصه دار شدند، چرا این طور شد؟! این همه میوه، این همه خوردنی، همه را رها کردیم، گول شیطان را خوردیم...

آیه ۳۷: «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»

«فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ» سال‌های دراز، آدم و حوا می‌گریستند تا دریافت کردند از طرف پروردگارشان کلماتی را، حدیث به ما کمک می‌کند که این کلمات چه بوده؟ می‌فرماید: این پنج کلمه محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین بوده و آدم خدا را به این پنج نور پاک قسم داد و توبه کرد و توبه‌اش پذیرفته شد. «فَتَابَ عَلَيْهِ» او برگشت به سوی خدا، «إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» حقیقت این است که پروردگار، توبه‌پذیر مهربان است.

قصه‌های قرآن را برای یکدیگر بازگو کنیم.

خدانگهدار شما ...